

یک سؤال و پاسخ ما به یک دروغ آشکار!



شماره ۷۸۸، دوره هشتم
سال بیست و دوم ۲۴ فروردین ۱۳۸۷

بار جنگ ایران و عراق و در سال های اخیر در طرح و توضیح سیاست ضرورت طرد رژیم ولایت فقیه، مخالفان ما همواره تلاش کرده اند تا با دروغ پردازی و تحریف سیاست های حزب توده ایران به اعتبار سیاسی و نفوذ معنوی آن در طیف گسترده نیروهای اجتماعی، از طبقه کارگر تا جوانان و دانشجویان و زنان، لطمه بزنند. در هفته های اخیر برخی از خوانندگان "نامه مردم" ضمن سؤال کردن در زمینه این تهاجمات تبلیغاتی و با اشاره به مطالب سراسر کذبی که در یکی از سایت های اینترنتی درباره سیاست حزب ما منتشر شده است خواسته اند که با این دروغ پردازی ها برخورد کنیم. سایت اینترنتی "دنیای ما" به بهانه انتشار بیانیه

تحریف و دروغ پردازی درباره مواضع و سیاست های حزب توده ایران مسئله تازه ای نیست. در طی بیش از شش و نیم دهه تاریخ حزب توده ایران، حزب ما همواره از سوی ارتجاع و امپریالیسم، نیروهای راست گرا و ماورای چپ مورد تهاجم تبلیغاتی وسیعی قرار داشته است. از دروغ پردازی درباره کودتای ننگین ۲۸ مرداد، به دست امپریالیسم و عوامل دست نشانده آن در ایران، تا تحریف سیاست های روشن بینانه حزب ما درباره رفورم های بورژوازی رژیم شاه، در دهه ۱۳۴۰، و سپس ارزیابی های حزب ما درباره انقلاب آینده ایران، در اوایل دهه ۱۳۵۰، و همچنین سیاست های حزب ما پس از انقلاب بهمین و بعد از آن درباره ادامه فاجعه

ادامه در صفحه ۳

راهبرد امپریالیسم، خطوط انتقال گاز و منافع ملی ایران

همزمان با سفر دیک چنی به منطقه خاور میانه و حوزة خلیج فارس و دیدارها و گفتگوی وی با مقامات بلند پایه کشورهای این منطقه موضوع چگونگی احداث شاه لوله های استراتژیک نفت و گاز بار دیگر در صدر اخبار و گزارشات رسانه های بین المللی قرار گرفت. بر پایه گزارشات انتشار یافته، مقامات رسمی پاکستان و ترکمنستان اعلام کردند که برنامه ساخت شاه لوله انتقال گاز از طریق مسیر پاکستان که دردوران طالبان از سوی برخی انحصارات فراملی طرح ریزی شده بود، بار دیگر در دستور کار سه کشور ترکمنستان، افغانستان و پاکستان قرار گرفته و این کشورها با تشویق انگلستان و آمریکا خواستار احداث آن هستند.

به علاوه در ۲ فروردین ماه مدیر عامل طرح احداث شاه لوله معروف به ناباکو، طی یک کنفرانس مطبوعاتی در آنکارا پایتخت ترکیه خاطر نشان ساخت که این طرح با سرمایه گذاری مناسب در سال ۲۰۱۳ میلادی آغاز به کار خواهد کرد.

مطابق طرح ناباکو، که هدف آن عرضه گاز به اروپا بدون مشارکت روسیه است، گاز کشورهای ایران، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان از راه ترکیه به اروپا صادر می شود و در مرحله دوم که بلافاصله آغاز خواهد شد، کشورهای عراق و مصر نیز به این طرح می پیوندند و مصر با مشارکت اسرائیل در پروژه راهبردی ناباکو سهام می شود.

در این خصوص در ۶ فروردین ماه مطبوعات منطقه خبر

دولت مدافع "محرومان"، سودهای کلان و صندوق های سرمایه گذاری

درسهام، برای ۲ سال به آنها تعلق گرفت.

بر اساس گزارش رسانه ها، حداقل و حداکثر سرمایه این صندوق ها ۵۰۰ میلیون و ۵ میلیارد تومان است که شورای بورس جمهوری اسلامی بر پایه یک برنامه راهبردی قرار است تا چند سال آینده صندوق هایی با سرمایه بیشتر، تا ۵۰ میلیارد تومان، تاسیس کند. اخبار مربوط به پذیره نویسی صندوق های سرمایه گذاری و فعالیت پر تب و تاب سازمان بورس و اوراق بهادار درحالی انتشار می یابد که مقامات رسمی دولت ارتجاع با صراحت از افزایش شگفت آور حجم و میزان نقدینگی در کشور سخن می گویند. داود دانش جعفری، وزیر اقتصاد و دارایی، مدتی قبل در جریان نشست نخبگان جمعیت ایثارگران خاطر نشان ساخته بود: "بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۶ حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان است. نقدینگی در اختیار بخش خصوصی ۲ برابر بودجه عمومی است. غفلت از منابع و امکانات

چندی پیش با ابتکار دولت احمدی نژاد، پذیره نویسی صندوق های سرمایه گذاری به عنوان نهاد جدیدی در بازار سرمایه جمهوری اسلامی آغاز شد، رییس سازمان بورس، تاسیس این صندوق ها را یک امکان استثنایی برای افرادی که سرمایه اندک دارند و می خواهند در بازار بورس فعال باشند، قلمداد کرد و متذکر شد: "یکی از مزیت های اساسی این صندوق ها پول های خرد را جمع کرده و اقدام به خریداری سهام شرکت های مختلف می کنند و سید سهام خود را مرتب متنوع می کنند و بنابر این ریسک را کاهش می دهند." روزنامه "دنیای اقتصاد"، در گزارشی از تاسیس این صندوق های سرمایه گذاری نوشت: "روز دوشنبه ۲۰ اسفند ماه در ساختمان جدید سازمان بورس و اوراق بهادار، پنج کارگزار بازار سرمایه مجوز تاسیس صندوق سرمایه گذاری در سهام را دریافت کردند. شرکت های سهم آشنا، حافظ، نهایت نگر، بانک صادرات و خبرگان سهام، جزو اولین شرکت هایی هستند که مجوز پذیره نویسی برای صندوق های سرمایه گذاری

ادامه در صفحه ۶

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه راهبرد امپریالیسم ...

توافق میان مصر و اسرائیل در زمینه صادرات گاز را منتشر کردند. بر پایه این گزارشات، وزیر مشاور در امور پارلمانی مصر امضای تفاهم نامه صادرات گاز از سوی مصر به اسرائیل را تایید و یاد آوری کرد که این طرح توسط شرکت های خصوصی مصر به اجرا در خواهد آمد. از دیگر سو و به موازات این اخبار، وزارت نفت عراق اعلام داشت، صادرات نفت این کشور به ترکیه به بیش از ۴۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است که این میزان صادرات به ترکیه، بالاترین حد پس از اشغال عراق محسوب می گردد. همچنین مقامات وزارت نفت عراق خاطر نشان می کنند، در حال حاضر در هر ساعت ۱۸ هزار بشکه نفت از کرکوک به بندر جبهان ترکیه صادر می شود و عراق خود را برای پیوستن به طرح عظیم ناباکو آماده می کند. در مقابل طرح فوق العاده عظیم ناباکو و طرح انتقال گاز ترکمنستان از راه پاکستان با طراحی و تشویق انحصارات فراملی، فدراسیون روسیه بر تلاش خود برای احداث شاه لوله جایگزین (آلترناتیو) معروف به "جریان جنوبی" افزوده است.

مسئولان گاز پوم روسیه ضمن مخالفت با طرح ناباکو تاکید می کنند، احداث همزمان دو شاه لوله استراتژیک انتقال گاز به اروپا، از آنجا که گاز کافی برای پر کردن هر دو شاه لوله موجود نیست، ماهیت صرفا اقتصادی ندارد، ولی در این رقابت، پروژه ای پیروز خواهد شد که ساخت واحداث آن زودتر آغاز و سریع تر به پایان برسد. در طرح عظیم روسیه به نام "جریان جنوبی" گاز روسیه از راه بلغارستان، مجارستان و صربستان به اروپا صادر شده و صربستان به یکی از مراکز انتقال گاز به اتحادیه اروپا بدل می گردد. روسیه امیدوار است این طرح زودتر از سال ۲۰۱۱ آغاز به کار نماید. همچنین روسیه با طرح لهستان در زمینه انتقال گاز به اروپا به شدت مخالفت کرده و پیشنهاد لهستان را به دلیل غیراقتصادی و "ریسک سیاسی بالای آن" غیر قابل اجرا نامید.

لهستان ضمن دفاع از طرح ناباکو، خواستار احداث شاه لوله ای از مسیر کشورهای بالتیک (استونی، لتونی و لیتوانی) و لهستان به اتحادیه اروپا شده بود تا گاز روسیه از این طریق به اروپا صادر شود. مین ما نیز در این رقابت ها از بازیگران اصلی به شمار می آید، ولی به دلیل سیاست ناخردانه ارتجاع حاکم و فشارهای حاد امپریالیسم جهانی، قدرت مانور و میزان نفوذ آن با چالش های جدی روبرو است. در این خصوص جمهوری اسلامی با تایید طرح ناباکو ابتدا قرارداد صدور گاز با سوئیس را به امضاء رساند که بخشی از طرح ناباکو و در پیوند با آن ارزیابی می گردد. به موازات امضاء این قرارداد، ایران پیشنهاد تاسیس یک ترمینال گازی را برای انتقال گاز ایران به سوئیس و اتریش از مسیر کرواسی ارائه داد. در طرح ایران، کرواسی به یکی از مراکز انتقال گاز طبیعی ایران به اتحادیه اروپا تبدیل می شود.

علاوه بر این، مقامات رسمی شرکت ملی نفت ایران از گفتگو و تهیه مقدمات تشکیل کنسرسیومی متشکل از آلمان، سوئیس و چین برای راه اندازی فازهای ۱۷ و ۱۸ میدان بزرگ گازی پارس جنوبی اطلاعاتی را منتشر ساختند. این قرارداد، در صورت نهایی شدن بالغ بر ۴ میلیارد یورو خواهد بود. همچنین ایران از مواضع اخیر وزیر نفت هند در این خصوص که، این کشور مذاکرات تعلیق شده در باره احداث خط لوله صلح را با پاکستان از سر خواهد گرفت، استقبال کرد. همه این مسایل و رقابت های سخت و تنش آفرین، بار دیگر اهمیت دفاع قاطع از منافع ملی کشور را در این مقطع حساس و پر خطر تاریخی برجسته سازد. ایران از مزیت ژئوپلیتیکی منحصر بفرد برخوردار است. مین ما از سوی عضو از مجموعه کشورهای خاور میانه قلمداد می گردد و در عین حال بخشی از زیر مجموعه آسیای جنوب غربی و نیز عضوی از کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای مازندران است و در تعریف ژئوپلیتیکی بخشی از آسیای میانه بزرگ است. به این دلیل ایران مفصل دو منطقه فوق العاده با اهمیت جهانی

است.

درست به علت چنین موقعیت ممتاز و استثنایی، کشور ما باید بتواند از تمام ظرفیت های سیاسی-اقتصادی-فرهنگی و تاریخی خود در جهت تامین صلح، دوستی و گسترش رابطه متقابلا سودمند اقتصادی در این مناطق استراتژیک و در راستای تامین امنیت و منافع ملی خود استفاده کند. اصولا تامین منافع ملی ایران در این مناطق فوق العاده با اهمیت جهان، بدون تامین صلح و ژرفش روابط احترام آمیز میان کشورها دور از دسترس خواهد بود.

سیاست تقویت همکاری میان ایران و کشورهای منطقه و نیز قاره آسیا در چارچوب توافقاتی مانند پیمان شانگهای، اکو و نظایر آن کاملا در جهت تامین امنیت و منافع ملی ایران است.

فراموش نباید کرد، اهداف راهبردی امپریالیسم آمریکا در این مناطق که احداث شاه لوله هایی غیر اقتصادی و تنش آفرین بخشی از آن به شمار می آید، امر خطیر صلح و گسترش روابط دوستانه و متقابلا سودمند اقتصادی را به خطر انداخته و در نقطه مقابل منافع ملی ایران قرار دارد.

مین ما به دور از شعار زدگی پوچ و ماجراجویی و انفعال باید ضمن تقویت همکاری منطقه ای، در رقابت های موجود بر سر چگونگی انتخاب مسیرهای انتقال نفت و گاز از حوزه دریای مازندران و آسیای میانه با تاکید بر حقوق مشروع همه کشورهای منطقه ضمن فاصله گرفتن از سیاست انفعالی کنونی و جانبداری های ناسنجیده و زبان بار مانند پذیرش بی چون و چرای طرح ناباکو(تاکید می کنیم بی چون و چرا، زیرا می توان با توجه به موقعیت جغرافیایی ممتاز کشور، به شکل مدبرانه و آگاهانه از ظرفیت های انکارناپذیر ایران در تنظیم و اجرای طرح ها بهره برد) نقشی درجه اول در این رقابت ها در جهت مثبت و مترقی و مغایر با راهبرد امپریالیسم آمریکا و به سود صلح و حقوق مسلم و انکارناپذیر خود ایفا کند. ایران این توانایی را داراست ولی مشکل، رژیم ولایت فقیه و مجموعه سیاست های غیر اصولی و مغایر با منافع ملی و حقوق مردم ایران است. اکنون امپریالیسم به ویژه امپریالیسم آمریکا برای اجرای نقشه های سلطه طلبانه خود در این مناطق سخت فعال و در تکاپو است. ختنی سازی این نقشه و برنامه های شوم و توسعه طلبانه فقط و فقط با اتخاذ یک سیاست خارجی فعال و مبتکرانه که تامین حقوق مردم ایران در مرکز آن قرار داشته باشد، امکان پذیر است.

تجربه ثابت می کند، رژیم سرکوبگر و واپس مانده ولایت فقیه توان و ظرفیت تاریخی اجرای چنین وظیفه خطیر ملی را ندارد!

ادامه مذاکره بی معنی است ...

یهودی نشین را همچنان ادامه دهد به نحوی که هنگام توافق نهایی جای هیچگونه ادعائی بر زمین های فلسطینی باقی نماند، پست های بازرسی را برپا میکند و در همان روز برمی چید تا "تیت خیر" خود را اثبات کند، و اجازه می دهد تا کودکی یک ساله بيمرد، زیرا کودک بدشانس و فلسطینی مریضی بود از نوار غزه". وی در خاتمه می گوید: "این سیاست تاثیر عمیقی بر آینده اسرائیلی ها و فلسطینی ها خواهد داشت".

شمارش وقایع: تجاوزات اسرائیل از زمان آنابولیس به زبان آمار (۱ آوریل ۲۰۰۸ - ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷)

حملات نظامی اسرائیل

مجموع: ۱۵۰۲

کرانه غربی: ۷۰۳

نوار غزه: ۷۹۹

کشته شدگان فلسطینی

مجموع: ۳۴۴ (۳۹ کودک)

کرانه غربی: ۳۷

نوار غزه: ۳۰۷

مجروحان فلسطینی

مجموع: ۱۱۹۴ (۷۶ کودک)

کرانه غربی: ۳۹۷

نوار غزه: ۷۹۷

ادامه یک سؤال ...

بلندی های جولان و ضرورت تشدید فشار بر دولت تجاوز کار اسرائیل و همبستگی با مردم سوریه به احزاب مختلف برای حمایت و امضاء فرستاده شد که حزب توده ایران از امضاء کنندگان این بیانیه است

● نشست فوق العاده احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای جنوب و شرق مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس، که در هنگام تجاوز دولت اسرائیل به لبنان و نوار غزه در آتن برگزار شد (اوت ۲۰۰۶). نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران از سخنرانان اصلی این نشست و تنظیم کنندگان قطعنامه مهم این نشست در محکومیت سیاست های تجاوز کارانه امپریالیسم و دولت اسرائیل در منطقه بود. متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب ما به طور کامل در روزنامه حزب کمونیست یونان به چاپ رسید.

● قطعنامه همبستگی با مردم فلسطین که در پی نشست احزاب کارگری و کمونیستی در آتن با امضاء حزب توده ایران در "سالیاد نت" منتشر شده است. ● افزون بر همه این نشست ها و بیانیه های مشترک انبوهی از صفحات "نامه مردم" به همبستگی و توضیح مبارزات قهرمانانه مردم فلسطین و بر ضد سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه اختصاص یافته است. همچنین "نامه مردم" با تنظیم مصاحبه های اختصاصی با رهبران جنبش مردم فلسطین، لبنان و اردن از جمله رفقا: "ضال مدیه"، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست اردن، رفیق "هنا امیره"، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین، و عضو شورای رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین و رفیق "خالد حداده"، دبیر کل حزب کمونیست لبنان، مردم میهن ما را در جریان مبارزات قهرمانانه مردم فلسطین و لبنان قرار داده است.

● مهمتر از همه بخش های مهمی از گزارش های کمیته مرکزی حزب ما، در سال های اخیر، پیرامون مسایل و تحولات جهان همواره با مسئله سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم و سیاست ضد انسانی دولت اسرائیل برخورد کرده است و همبستگی خود را با مبارزات مردم فلسطین اعلام کرده است.

ما قضاوت درباره علل دروغ پردازی و تحریف مواضع حزب توده ایران توسط این سایت و سایت های مشابه اینترنتی را به بینندگان و خوانندگان این سایت ها واگذار می کنیم. حزب توده ایران در طول تاریخ طولانی مبارزه پرشورش پیگیر ترین نیروی سیاسی ضد امپریالیست و ضد سرمایه داری در ایران بوده و هست و در شرایطی که در پی فروپاشی کشورهای سوسیالیستی شمار زیادی از نیروها مدعی چپ به راست روی، زیر پوشش "نو آوری" کشانده شدند و به استقبال "سرمایه داری با چهره انسانی" رفتند و سوسیال دموکراسی را به عنوان اندیشه ای "نو" و "پیشرو" کشف کردند حزب توده ایران همچنان به مثابه یگانه سازمان راستین طبقه کارگر ایران به پیکار خود در جبهه جهانی احزاب کارگری و کمونیستی، به عنوان یکی از گردان های اساسی و پیگیر آن، ادامه داده و می دهد و هیچ تحریف و دروغ پردازی در این زمینه نمی تواند بر این حقیقت پوشش گذارد.

ادامه مذاکره بی معنی است ...

دستگیر شدگان فلسطینی

مجموع: ۲۱۷۵ (۲۴ کودک)

کرانه غربی: ۱۸۵۲

نوار غزه: ۳۲۳

کشته شدگان اسرائیلی: ۱۵

نسبت کشته شدگان فلسطینی به اسرائیلی ۱: ۲۳

مورد مرگ بیماران غزه ای در نتیجه عدم دریافت اجازه مراقبت پزشکی: ۱۲۱

پست های بازرسی

فوریه ۲۰۰۸: ۵۸۰ پست دائمی

متوسط ماهانه در سال ۲۰۰۷: ۵۴۹ پست دائمی

متوسط ماهانه در اسل ۲۰۰۶: ۵۱۹ پست دائمی

متوسط ماهانه در سال ۲۰۰۵: ۴۷۲ پست دائمی

برخی از احزاب کارگری و کمونیستی درباره مبارزات مردم فلسطین از جمله می نویسند: "مناسفانه چند سالی است که حزب توده ایران، در مواردی که به تهدیدات امپریالیسم در خاورمیانه و بویژه مسئله فلسطین مربوط می شود، حساب خود را از احزاب کمونیست و کارگری جهان جدا کرده و اعلامیه ها و بیانیه های مشترک آنها را امضا نمی کند. در زیر تازه ترین نمونه این سیاست آورده می شود."

ادعای گردانندگان این سایت اینترنتی کذب آشکار و نشانگر عدم پایبندی آنان به حداقلی از اخلاق سیاسی است. کافی است که به آرشیو شماره های "نامه مردم" در سال های اخیر و گزارشات متعدد شرکت نمایندگان کمیته مرکزی حزب ما در نشست های احزاب کارگری و کمونیستی، بیانیه های مشترک این نشست ها، سخنرانی های نمایندگان حزب، انبوهی از نوشته های چاپ شده در "نامه مردم" بر ضد سیاست های امپریالیسم و خصوصاً در همبستگی با مبارزات مردم فلسطین، مصاحبه های اختصاصی "نامه مردم" با نمایندگان واقعی مبارزات قهرمانانه مردم فلسطین و مهم تر از همه اسناد رسمی نشست های کمیته مرکزی حزب ما رجوع کرد تا ابعاد این دروغ پردازی روشن شود. ما در زیر تنها به چند نمونه (که گزارش های مفصل آن قبلاً در "نامه مردم" منتشر شده است) اشاره می کنیم:

● نشست احزاب کارگری و کمونیستی کشورهای جنوب و شرق مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس، که در پنجم ژانویه ۲۰۰۸ در آتن برگزار شد، و حزب ما از شرکت کنندگان فعال و سخنرانان این نشست و امضاء کننده بیانیه مطبوعاتی این نشست بود به شدت مداخلات امپریالیسم در منطقه خاورمیانه و سیاست های تجاوزکارانه دولت اسرائیل بر ضد مردم فلسطین را محکوم کرد.

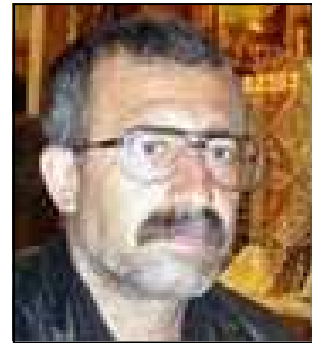
● نشست مهم احزاب کمونیست چپ و ترقیخواه اروپا و مدیترانه اروپا که در روزهای ۲۶ و ۲۷ اسفندماه ۱۳۸۶ (۲۰۰۷) در نیکوزیا برگزار شد ("نامه مردم" شماره ۷۶۱) ضمن محکوم کردن سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا همبستگی خود را با مبارزات مردم فلسطین و همچنین ایران اعلام کرد. در این نشست که نماینده کمیته مرکزی حزب ما، از جمله سخنرانان اصلی آن بود، در این زمینه گفت: "هدف اصلی طرح خاورمیانه بزرگ" تضمین کنترل منطقه از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی توسط امپریالیسم آمریکا است. تجاوز به نوار غزه و لبنان و جنگ های فاجعه باری که در خرداد ماه بر فلسطین و متعاقباً در تیرماه بر لبنان تحمیل شد، و فشارهای اخیر که بر ضد ایران اعمال می شود، اجزاء بهم پوخته طرح ایالات متحده برای منطقه اند. امروز دیگر روشن شده است که دولت اسرائیل در هماهنگی با دولت آمریکا، و حمایت ضمنی تعدادی از دولت های عضو اتحادیه اروپا، تجاوز غیرقانونی به لبنان را به مثابه یک تمرین آزمایشی برای حمله به ایران و یا سوریه طراحی و به مرحله اجرا در آورد."

● دیدار نماینده کمیته مرکزی حزب ما با هیئت های رهبری جبهه مردمی برای آزادی فلسطین (پی. اف. ال. پی) و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین (دی. اف. ال. پی) و ابراز همبستگی رهبری حزب ما با مبارزات مردم فلسطین در جریان دومین کنگره "حزب چپ اروپا"

● قطعنامه فوق العاده مهم نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان که در نشست مهم لیسبون (در پرتغال) در ۱۰ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۰۶ شرکت داشتند. نماینده کمیته مرکزی حزب ما از سخنرانان اصلی و تنظیم کنندگان قطعنامه این نشست بود. در این نشست قطعنامه ویژه ای با عنوان "همبستگی با مردم فلسطین و لبنان" به امضای احزاب شرکت کننده رسید. همچنین در پی این نشست بیانیه ای از سوی حزب کمونیست پرتغال، به نمایندگی از سوی رفیق حنین نمیر، دبیر اول حزب کمونیست سوریه، درباره ادامه اشغال



محمود صالحی در پی اعتراض و کارزارهای وسیع بین المللی از زندان آزاد شد



بالاخره پس از تحمل یک سال، آزار و شکنجه در زندان های رژیم و در پی اعتصاب غذا و همبستگی گسترده اتحادیه های کارگری در سراسر جهان رژیم ولایت فقیه ناچار شد محمود صالحی را از زندان آزاد کند. در این زمینه پیام های گوناگونی از سوی اتحادیه های کارگری جهان منتشر شد که از جمله می توان به پیام کنگره سندیکاهای انگلستان (تی. یو.سی)، که بزرگترین تشکل سندیکای کارگری انگلستان است اشاره کرد. در این بیانیه که در روز ۶ آوریل، منتشر شده است از جمله آمده است: "رهبر سندیکای نانوایان ایران، محمود صالحی، در ساعت ۳ بعدازظهر از زندان مرکزی سنجند آزاد شد. او قریب دو هفته پیش، محکومیت یک ساله خود را به دلیل فعالیت های سندیکایی، به پایان رسانده بود، اما مقامات مسئول از آزاد کردن وی خودداری کردند. آزادی محمود صالحی به دنبال تظاهرات نانوایان و سایر کارگران، و مبارزات بین المللی برای آزادی او، از جمله اختصاص یک روز در جهان، در ماه گذشته، در پشتیبانی از تمامی فعالان سندیکایی زندانی شده در ایران و بسیج عمومی در فرستادن انبوه عظیمی از نامه های الکترونیکی در چند روز اخیر بود. تی. یو.سی" یار دیگر خواست خود را از دولت ایران برای آزادی منصور اسانلو، رهبر سندیکای اتوبوس رانی، از زندان مخوف اوین در تهران و آزادی تمام فعالان سندیکایی ایران تکرار می کند، و این که (دولت ایران) به قوانین کارگری بین المللی احترام بگذارد."

چوب حراج بر اموال عمومی

دولت ضد ملی احمدی نژاد در ایام نوروز دست به اقدامی فریبکارانه زد و اعلام داشت، ویلاهای دولتی و عمومی واقع در سواحل استان مازندران به بخش خصوص واگذاری می شود. پایگاه خبری "رجانیوز"، ۶ فروردین ماه، در این باره نوشت: "دبیر ستاد تسهیلات نروزی استان مازندران اعلام کرد، در اجرای مصوبه دولت بر واگذاری ویلاهای دولتی و (عمومی) تاکنون ۴۲ ویلا در ساحل دریای خزر در این استان در خدمت مردم [بخوان دلالتان و پاسداران] قرار گرفته است. در هر یک از این ویلاها یک نفر از سازمان گردشگری بر کار قیمت گذاری و تعیین نرخ نظارت دارد." این اقدام دولت با تبلیغات فراوان در رسانه های همگانی بازتاب یافت و فریبکارانه خدمت به مردم در ایام تعطیلات نروزی نام گرفت. ولی واقعیت اینست که بخش بزرگی از اماکن تفریحی و ویلاهای عمومی و دولتی به این تربیت و در راستای برنامه خصوصی سازی در صنعت گردشگری، به چنگ بخش خصوصی غیر مولد و دلال افتاد. این ویلاها با قیمتی پایین تر از نرخ رسمی و به صورت ضربتی به گروهی از پاسداران، افراد بسیج و نظایر آن واگذار گردیده و به منبع درآمد این افراد و جریانات بدل شده است. مطابق گزارشات رسمی با واگذاری ویلاهای دولتی به عناصری از سپاه و بسیج، مبالغی هنگفت از درآمد گردشگری کشور در استانهای گیلان، مازندران و گلستان از این پس به جیب دلالتان سرازیر خواهد شد. پایگاه خبری "رجانیوز" در این باره می نویسد: "در استان مازندران ۶ هزار و ۳۰۰ ویلای خصوصی ساماندهی شده است و بر آوردها حاکی از وجود بیش از ۱۰ هزار ویلای خصوصی در این استان است، تاکنون با ابتکار دولت، ۲ هزار و ۵۰۰ ویلای خصوصی توسط ۸۰ مرکز رزرواسیون و مشاوران املاک سامان دهی شده است. معاون سیاسی و امنیتی استان مازندران نیز با حمایت از حراج اموال عمومی خاطر نشان ساخت، راهبرد اصلی نظام را مقام معظم رهبری ترسیم کرده اند و واگذاری ویلاها به اشخاص [بخوان پاسداران و دلالتان] تحقق شعار نوآوری و تحول است. درآمد ناشی از اجاره این ویلاها در ایام نوروز در برآوردهای اولیه بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بوده است. حراج اموال عمومی و واگذاری ویلاهای دولتی به دلالتان سرآغاز "تأورهای" ارتجاع حاکم در سال جدید است!



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

تأمین دارو و برخورداری از چتر بیمه درمانی به یکی از دغدغه های مردم میهن ما بدل شده و در مقابل آن هیچ یک از ارگان ها و نهادهای دولتی حاضر به پاسخگویی نیستند. در اوایل فروردین ماه سال جاری خبرگزاری "مهتر" در گزارشی با عنوان "بیماران همچنان در انتظار بیمه داروهای جدید" به وضعیت نا بسامان تهیه و تامین داروهای مورد نیاز بیماران اشاره کرده و می نویسد: "طی سال گذشته بیش از ۶۰۰ قلم دارو به فهرست دارویی کشور اضافه شد اما کمتر از ۶۰ قلم آن تحت پوشش بیمه ها قرار گرفت. این وضعیت باعث شده که بیماران در تهیه دارو، مشکلات عدیده ای داشته باشند و به رغم اینکه برای در اختیار داشتن دفترچه بیمه، هر ماه هزینه ای متقبل می شوند اما از داشتن دفترچه بیمه گلایه داشته و آن را ناکافی می دانند." هزاران خانواده کارگری و دیگر زحمتکشان جامعه با اینکه ماهیانه حق بیمه پرداخت می کنند اما از دریافت دارو و امکانات پزشکی محروم هستند و قادر به تامین بدیهی ترین امکانات بهداشتی و پزشکی نیستند. چندی پیش معاون غذا و داروی وزارت بهداشت در حاشیه افتتاح یک داروخانه دولتی با انتقاد از عملکرد سازمان های بیمه گر گفت: "طی ۶ سال اخیر سازمان های بیمه سخت گیری هایی را به لحاظ تحت پوشش قراردادن داروهای جدید صورت می دهند، از ۴۰۰۰ قلم دارو به جز ۱۰۰ قلم آن، مابقی یارانه ای نیستند." این بدان معناست که اغلب داروهای کشور از پوشش بیمه و یارانه دولتی خارج و امکان تهیه و تامین آن برای طبقات محروم جامعه وجود ندارد. در این زمینه رییس انجمن علمی داروسازان ایران به خبرگزاری "مهتر"، خاطر نشان ساخت: "میزان مسئولیت سازمان های بیمه گر برای تحت پوشش قراردادن داروها متناسب با اعتبارات مورد

سرگردانی مردم و گرانی قیمت دارو

تأمین دارو و برخورداری از چتر بیمه درمانی به یکی از دغدغه های مردم میهن ما بدل شده و در مقابل آن هیچ یک از ارگان ها و نهادهای دولتی حاضر به پاسخگویی نیستند. در اوایل فروردین ماه سال جاری خبرگزاری "مهتر" در گزارشی با عنوان "بیماران همچنان در انتظار بیمه داروهای جدید" به وضعیت نا بسامان تهیه و تامین داروهای مورد نیاز بیماران اشاره کرده و می نویسد: "طی سال گذشته بیش از ۶۰۰ قلم دارو به فهرست دارویی کشور اضافه شد اما کمتر از ۶۰ قلم آن تحت پوشش بیمه ها قرار گرفت. این وضعیت باعث شده که بیماران در تهیه دارو، مشکلات عدیده ای داشته باشند و به رغم اینکه برای در اختیار داشتن دفترچه بیمه، هر ماه هزینه ای متقبل می شوند اما از داشتن دفترچه بیمه گلایه داشته و آن را ناکافی می دانند." هزاران خانواده کارگری و دیگر زحمتکشان جامعه با اینکه ماهیانه حق بیمه پرداخت می کنند اما از دریافت دارو و امکانات پزشکی محروم هستند و قادر به تامین بدیهی ترین امکانات بهداشتی و پزشکی نیستند. چندی پیش معاون غذا و داروی وزارت بهداشت در حاشیه افتتاح یک داروخانه دولتی با انتقاد از عملکرد سازمان های بیمه گر گفت: "طی ۶ سال اخیر سازمان های بیمه سخت گیری هایی را به لحاظ تحت پوشش قراردادن داروهای جدید صورت می دهند، از ۴۰۰۰ قلم دارو به جز ۱۰۰ قلم آن، مابقی یارانه ای نیستند." این بدان معناست که اغلب داروهای کشور از پوشش بیمه و یارانه دولتی خارج و امکان تهیه و تامین آن برای طبقات محروم جامعه وجود ندارد. در این زمینه رییس انجمن علمی داروسازان ایران به خبرگزاری "مهتر"، خاطر نشان ساخت: "میزان مسئولیت سازمان های بیمه گر برای تحت پوشش قراردادن داروها متناسب با اعتبارات مورد

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

نیاز آنها نیست، بیمه به عنوان یک نهاد همواره پرداخت کمترین قیمت دارو را در نظر دارد و این ناشی از سیاست نظام تجارتي دولت در این زمینه است. به این ترتیب دولت با حمایت از بیمه ها که طرح خصوصی سازی آن تهیه و بزودی به مرحله اجرا درخواهد آمد، با تحت پوشش قرار ندادن داروهای حیاتي، سلامت مردم کشور را فدای تجارت و سود جویی کرده است. سیاست رژیم در عرصه بهداشت خطری جدی برای آینده کشور و سلامتی عمومی مردم میهن ماست!

صنایع مونتاژ به جای فن آوری ملی و بومی!

برخلاف تبلیغات پر سروصدای رژیم ولایت فقیه در خصوص ایجاد تکنولوژی ملی و بومی، درست در سالی که ولی فقیه آن را سال "نوآوری" و "شکوفایی" نامیده، رسانه های همگانی اعلام داشتند شرکت های بزرگ خودرو سازی اروپا از طریق واسطه ها و دلالتان خود در کشور ترکیه و چند شیخ نشین حوزه خلیج فارس، خودروهای اروپایی را در ایران مونتاژ خواهند کرد. خبرگزاری "آفتاب"، ۷ فروردین، در گزارش خود در این زمینه تاکید کرد: "خودرو سازی ترکیه در ایران، رونمگان در ایران مونتاژ می شود.

مدیر عامل جدید شرکت بزرگ اویاک رنو ترکیه گفت بر اساس توافق انجام شده با ایران خودرو، خودروی رونمگان تا سقف ۱۵ هزار دستگاه در کارخانه پارس خودرو مونتاژ خواهد شد. برخی از قطعات خودرو (رونمگان) که در شهر بورسای ترکیه تولید می شود به صورت مونتاژ به ایران ارسال شده و در کارخانه پارس با ظرفیت مونتاژ هر خودرو در ۵ تا ۶ ساعت و سالانه در مجموع قریب به ۱۵ هزار دستگاه از نوع سدان به بازار عرضه خواهد شد. هم اکنون مجوزهای لازم از طرف ایران صادر و مونتاژ بزودی در خاک ایران شروع می شود.

جالب اینجاست که این صنایع مونتاژ با واسطه گری ترکیه وارد ایران شده و همزمان ترکیه از قبول خریداری خودروهای سمنند ایران شانه خالی کرده و مانع حضور آن در بازار این کشور می شود. رشد و گسترش صنایع مونتاژ درست در نقطه مقابل راهبرد ایجاد و پایه گذاری تکنولوژی ملی و بومی قرار دارد.

آنچه میهن ما در عصر حاضر، در دوران جهانی شدن به آن نیازمند است، ایجاد فن آوری ملی و بومی و رشد و پرورش متخصصان و کارشناسان در خدمت این فن آوری ملی است. گسترش صنایع مونتاژ آن هم با واسطه گری کشورهای چون ترکیه نه تنها به صنایع ملی و داخلی و تولید کنندگان صنعتی کشور لطمه وارد می سازد، بلکه یک مانع بزرگ بر سر راه ایجاد فن آوری بومی در خدمت شکوفایی اقتصاد ملی قلمداد می شود.

صنایع مونتاژ در رشته هایی همچون خودرو سازی با نیازهای واقعی کشور در تقابل قرار دارد و فقط و فقط به سود کلان سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی است!

فرمان جدید فرمانده سپاه پاسداران

پس از آنکه پاسدار جعفری از سوی خامنه ای به فرماندهی سپاه پاسداران برگمارده شد، در پی تغییر و تحولاتی، فرماندهی نیروهای بسیج نیز به وی واگذار گردید.

در آخرین حلقه از تصمیمات فرماندهی سپاه پاسداران، بر اساس دستورالعمل جدید، مسئولیت ایجاد بازرسی های خیابانی از نیروهای بسیج به نیروی انتظامی انتقال پیدا کرد.

بر پایه این فرمان نظامی، مسئولیت ایست و بازرسی خیابانی و دستگیری افراد از این پس برعهده ناجا یعنی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی خواهد بود.

پایگاه خبری "شهاب نیوز"، ۶ فروردین ماه، در این مورد چنین نوشت: "بسیج دیگر ایست بازرسی نخواهد داشت. سردار سرلشگر محمد علی جعفری از زمان برعهده گرفتن مسئولیت فرماندهی کل سپاه در شهریور ماه ۸۶، واحدهای مختلف سپاه را به سمت مأموریت های تخصصی و افزایش

کار آمدی در انجام وظایف محوله هدایت کرده است. سردار جعفری مستقیماً فرماندهی نیروی مقاومت بسیج را هم برعهده دارد."

انتقال وظایف بسیج به نیروی انتظامی در اوضاعی صورت می گیرد که اجرای طرح امنیت اجتماعی توسط نیروهای سرکوبگر از جمله بسیج و نیروی انتظامی یک نفرت و خشم همگانی را در شهرهای بزرگ کشور بر ضد این دو نهاد برانگیخته است، به ویژه آنکه مجری این طرح سردار پاسدار زارعی، فرمانده پلیس تهران، خود مرتکب اعمال خلاف قانون گردیده و حکم جلب برای او صادر شد.

به این ترتیب فرماندهی سپاه از یک سو می کوشد پای بسیج را از این ماجرا بیرون کشیده و از نفرت و خشم بسیار ژرف همگانی در امان بماند و از دیگر سو با توجه به تغییر آرایش سیاسی در حاکمیت، سپاه می کوشد مناسبات خود با دیگر ارگان ها را از نو و برپایه این تحولات تعریف کرده و سازمان دهد.

مسئولیت های بسیج در زمینه دستگیری افراد و اعمال خشونت نسبت به زنان، جوانان و دانشجویان، با تغییر وظایف آن در زمینه ایست بازرسی های مهم شهری تغییر نکرده و گویای تحولی مثبت نیست. این ارگان کماکان یک اهرم فشار و اعمال زور در برابر مردم میهن ماست!

رونق اقتصادی، با سرمایه ایران

در گرمگرم بحث پیرامون کمبود سرمایه و نبود نقدینگی برای فعالیت صنایع تولیدی کشور، به ویژه در عرصه نفت و گاز، خبرگزاری "فارس" ۲۶ اسفند ماه ۸۶، به نقل از نشریه "مید" گزارش داد: "ایران در حال مذاکره با مسئولان بورس دوبی است تا یک شرکت سرمایه گذاری نفتی را به ارزش ۹۰ میلیارد دلار در این بورس بین المللی به ثبت برساند. در حال حاضر مذاکرات سازمان خصوصی سازی جمهوری اسلامی ایران با مقامات بورس دوبی در این زمینه جریان دارد."

این مذاکرات درست زمانی در حال انجام است که امارات متحده عربی با حمایت پیدا و پنهان امپریالیسم جهانی، موضوع جزایر سه گانه ایرانی واقع در خلیج فارس را با پیگیری در دستور دیپلماسی خود قرار داده و با ادعاهای واهی و غیر منطقی و مغایر با موازین حقوق بین المللی به مالکیت قانونی و غیر قابل تردید ایران در این زمینه اتهام وارد می سازد. علاوه بر این، با اعمال تحریم های سازمان ملل بر ضد ایران، خروج سرمایه از کشور شتاب نگران کننده ای به خود گرفته و یکی از مناطقی که سرمایه های ایرانی را جذب می کند، دوبی واقع در امارات متحده عربی است. آخرین آمار ارایه شده از سوی مسئولان ارشد رژیم ولایت فقیه حاکی از بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه فعال ایرانی در دوبی است.

پایگاه خبری "دسترنج"، ۲۵ اسفند ماه ۱۳۸۶، در این باره تاکید کرد: "گرمی بازار اعراب از محدودیت های اقتصادی ایران. سرمایه های بسیاری به دلیل بی اعتبار شدن بانک های داخلی در عرصه بین المللی که حاصل درگیری های سیاسی است، به سوی امارات متحده عربی و بطور متمرکز به دوبی در حال انتقال است. ارزش این سرمایه ها در سال ۲۰۰۷ میلادی بیشتر از ۱۲۰ میلیارد دلار و معادل بیش از نیمی از بودجه دوبی بوده است. بانک هایی که در مجادلات سیاسی مرعوب شده اند، دیگر توان گشایش اعتبار برای شرکت ها و بازرگانان را ندارد. در این شرایط برای ادامه حیات اقتصادی باید راه دیگری را به کار گرفت. انتخاب نقطه سوم یا واسطه، هر چند پر هزینه تر است، اما ادامه فعالیت های اقتصادی و صنعتی را امکان پذیر می کند."

به این ترتیب میلیاردها دلار سرمایه و ثروت کشور به امارات متحده عربی، خصوصاً دوبی، منتقل می شود و این کشور با پشتوانه چنین نفوذ اقتصادی و مالی و حضور پر رنگ در حیات اقتصادی ایران دعاوی بی پایه و خطر ناک خود در مورد جزایر ایرانی خلیج فارس را با قدرت و جرات بیشتری طرح می کند. اقتصاد دوبی و امارات متحده با سرمایه ایرانی رونق گرفته است، حال باید پرسید سرمایه گذاری ۹۰ میلیارد دلاری سازمان خصوصی سازی جمهوری اسلامی در بورس دوبی به سود میهن ماست؟!

ادامه دولت مدافع "محرمان" ...

بخش خصوصی نه تنها باعث کندی رشد اقتصادی می شود بلکه این حجم نقدینگی اگر به هر بخشی وارد شود و استفاده درستی از آن صورت نگیرد مشکلات عدیده ای را به وجود می آورد.

این نقدینگی اینک به یکی از مهمترین مسایل اقتصادی بدل گردیده و مهر و نشان خود را بر روابط اقتصادی- اجتماعی کوبیده است. درخصوص میزان نقدینگی در دست بخش خصوصی و عمدتاً بخش خصوصی غیر مولد، روزنامه "دنیای اقتصاد"، ۷ اسفند ماه ۸۶، در مطلبی تحت عنوان: "پول، هم هست هم نیست" از جمله نوشت: "اقیانوسی از پول (نقدینگی) با شتابی دهشتناک در ایران به حرکت درآمده و می رود تا بنیان کسب و کار و معیشت شهروندان را در کام آژدهای تورم بیندازد، برخی برآوردها حاکی از این است که اگر رشد نقدینگی مهار نشود، در پایان اسفند میزان نقدینگی به ۲۵۰ هزار میلیارد تومان می رسد که فقط ۱۷ درصد کمتر از بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۷ است."

این آمار بدان معنی است که نفوذ سیاسی، قدرت اقتصادی و امکانات بخش خصوصی غیر مولد ایران گسترش چشمگیری یافته است و قدرت مالی آن با بودجه کل کشور (با اندکی فاصله) برابری می کند! این "اقیانوس پول" به هیچ وجه در امور تولیدی و شکوفایی اقتصاد ملی به کار نمی رود بلکه کاملاً در خدمت سود جویی و توسعه فعالیت های دلالی قرار دارد.

در اوایل اسفند ماه سال ۱۳۸۶، بانک مرکزی در گزارشی از بازده سرمایه گذاری در بازارهای مختلف دارایی کشور، ژرفای رشد اقتصاد دلالی را نشان داده و به آن اعتراف کرد. در گزارش بانک مرکزی منتشره در روزنامه "دنیای اقتصاد"، ۶ اسفند ماه ۸۶، تصریح شده: "در دوره های ۹ ماهه و ۱۲ ماهه منتهی به آذر ماه ۱۳۸۶ بازده واقعی همه دارایی ها به جز مسکن منفی بوده است، بازدهی مسکن در آذرماه ۳/۹ درصد و متوسط بازدهی ماهانه آن در دوره های سه ماهه و شش ماهه منتهی به آذر ۲/۷ درصد است. پس از مسکن، بازدهی سکه بهار آزادی [یعنی خرید و فروش سکه و معامله ارز و دلالی در این زمینه ها] رتبه دوم را در یک سال منتهی به آذر ماه با ۱/۵ درصد در ماه به خود اختصاص داده است."

روزنامه مذکور پس از درج گزارش بانک مرکزی در نتیجه گیری خود تاکید دارد: "در تازمه ترین گزارش بانک مرکزی برندگان اصلی اقتصاد ۸۶ معرفی شدند. تنها بازدهی مثبت دارایی ها در ایران نصیب دلالان مسکن شده است."

دلالان و به طور کلی سرمایه بزرگ تجاری در اوضاعی برندگان اصلی اقتصاد سال گذشته معرفی می شوند که صنعتگران و تولید کنندگان داخلی و ملی بزرگ ترین بازندگان به شمار می آیند.

روزنامه "سرمایه"، ۹ اسفند ماه ۸۶، در گزارشی با اشاره به آمارهای رسمی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد یادآوری کرد: "طی سال های ۸۵ و ۸۶ تولید کالاهای استراتژیک و اساسی با کاهش رو به رو شد. طی ۲ سال اخیر تولید در بسیاری از شاخه های صنعتی با کاهش نگران کننده مواجه شده است. تاکنون بسیاری از کاشناسان صنعتی نسبت به این موضوع هشدار داده اند."

روزنامه "سرمایه" سپس اضافه می کند: "آمارهای موقوت حکایت از کاهش سرمایه گذاری داخلی و خارجی در کشور از زمان روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و کاهش تولید و صادرات کالاهای استراتژیک همچون نفت، پولا، آلومینیوم و ... دارد. تولید پولا خام کشور در شش ماهه اول ۸۶ با ۱/۷ درصد کاهش به ۹/۴ میلیون تن رسید. در حالی که طی این مدت واردات پولا از خارج رشد ۷۰ درصدی داشته است. تولید آلومینیوم کشور نیز با کاهش ۵/۴ درصدی رو به رو بوده به نحوی که در اثر نبود نقدینگی [توجه کنید صنایع کمبود نقدینگی دارند] و افت تولید کارخانه های بزرگ و استراتژیک آلومینیوم پارس و آلومینیوم اراک دچار مشکل هستند.

استخراج ذغال سنگ و سنگ آهن نیز به ترتیب ۴/۷ و ۷/۲ درصد کاهش دارند. تولید شمش روی در سال ۸۶ حدود ۷ درصد کاهش یافت. در صنایع شیمیایی تولید پودر شوینده ۳/۲ درصد افت پیدا کرد. کارخانجات تولید کننده شکر و صنایع غذایی و شیرینی به دلیل واردات گسترده با ورشکستگی رو به رو

هستند و اشتغال حدود ۲۵ هزار کشاورز و چغندرکار به خطر افتاده است. تولید کامیون و کامیونت با ۴۵ درصد کاهش (یعنی نزدیک به نیمی از توان تولیدی) نسبت به سال ۸۴ از ۳۳ ۲۴۱ تا ۱۸ ۶۰۱ دستگاه رسید. تولید کامیون کشنده سنگین از حدود ۲۶۰۰ دستگاه به ۲۶۰ دستگاه تنزل پیدا کرده و سرانجام تولید و صادرات نفت ایران ۱/۳ درصد کاهش یافته است."

به علاوه روزنامه "کارگزاران"، ۱۴ اسفند ماه ۸۶، با انتشار آمار گمرک ایران خبر دارد: "تراز تجاری صادرات غیر نفتی در ۱۱ ماه امسال به منفی ۲۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید براساس گزارش آماری گمرک تراز تجاری صادرات غیر نفتی کشور در بهمن ماه (۱۳۸۶) در مقایسه با تراز تجاری ایران در دی ماه [یعنی فقط ۱ ماه] گذشته ۴ میلیارد و ۲۷۵ میلیون دلار منفی تر شده است." مقایسه حجم و میزان نقدینگی بخش خصوصی غیر مولد، انگلی و سودهای سرشار و افسانه ای آنان از بازار مسکن و اختکار کالاها، با کاهش شدید تولید کالاهای استراتژیک و کمبود شدید نقدینگی در تولید و صنایع، به خوبی ماهیت عملکرد رژیم ولایت فقیه و دولت واپس گرا و ضد مردمی احمدی نژاد در عرصه اقتصادی- اجتماعی را آشکار می سازد. در این میان، و درست در زمانی که صنایع کلیدی و تولید ملی با ورشکستگی و بی پولی مواجه اند، شرکت های سرمایه گذار و یا صندوق های سرمایه گذاری در اوج شکوفایی قرار دارند و بازار آنها با رونق حیرت آوری مواجه است. گرداننده یکی از این شرکت های به اصطلاح سرمایه گذاری به خبرنگار "ایسنا"، اوایل اسفند ماه ۸۶، می گوید: "طی یک سال گذشته، حدود ۱ میلیارد تومان جذب کرده ایم، یعنی تقریباً هر ماه ۵۰ میلیون تومان. کار ما فعالیت در بازارهای مختلف و کسب سودهای چشمگیر است، ما در بازار ارز، ساختمان و مسکن و جز اینها فعالیت می کنیم."

یکی از همین دلالان و یا گردانندگان شرکت های سرمایه گذار خاطر نشان می سازد: "ما در بازار ارز سرمایه گذاری می کنیم و ماهیانه ۱۵ تا ۲۵ درصد سود به سرمایه گذاران خود را تضمین می کنیم. در بازار ارز مثلاً هر روز ۲ درصد سود می کنیم و تعداد روزهای معاملاتی را اگر ۲۵ روز حساب کنیم، در پایان ماه ۶۴ درصد سود کسب کرده ایم. در بازار ارز هر کس می تواند تا ۱۰۰ برابر سرمایه اولیه خود اعتبار داشته باشد، بنابر این ۲ درصد سود در روز با این اعتبار راحت و امکان پذیر است...."

به این ترتیب نقدینگی بزرگ یا همان "اقیانوس نقدینگی" در چنین عرصه هایی به کار گرفته می شود و فعالیت مخرب و زیان بار آنها نه تنها بنیه تولیدی را به نابودی کشانده، بلکه بنیان های فرهنگی و اخلاقی جامعه را نیز فرسوده و از میان برده و می برد. شرکت هایی با حمایت قانونی دولت و محافل حکومتی ماهیانه بدون کوچکترین زحمت و تلاش میلیاردها سود می برند، و در مقابل صنعتگران و تولید کنندگان کشور حتی از تامین نقدینگی لازم برای فعالیت خود عاجزند. رشد سرطانی پدیده کسب سود هنگفت بدون کار و زحمت، پیامد سمت گیری اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه و اجرای دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است.

گسترش اقتصاد غیر مولد و دلالی فقط و فقط به سود سرمایه بزرگ تجاری و متحد آن در رژیم، یعنی سرمایه داری بوروکراتیک، است و این دو نیروی اهریمنی سد راه تقویت تولید و سالم سازی اقتصاد ملی هستند!

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

امید دستیابی به صلح در قبرس برگردان از نشریه ورلد ریپورت

انتخاب دیمتریس کریستوفیاس به مقام نخستین رییس جمهوری کمونیست قبرس یک فرصت تاریخی را برای صلح و یکپارچگی این کشور فراهم آورده است.

من به تازگی از سفر به قبرس، که از سال ۱۹۷۴ تقسیم شده است و رییس جمهوری جدید آن با محمد علی طلعت، رهبر بخش ترک نشین شمال قبرس در روز آدینه مقدس ملاقات کرد باز گشته ام. ملاقات در روز آدینه مقدس و سپس برداشتن راه بند برپا شده در طول خط سبز که از سوی نیروهای سازمان ملل مراقبت می گردد بیشتر یک اقدام نمادین است ولی به هرحال کمیسیون مالی اروپا حمایت خود را از آن اعلام کرده است و شاید نشانه ی کوششی تازه از سوی اتحادیه اروپا برای ادامه روند صلح در قبرس باشد. رویدادهای خوش آیند و شادی آفرین در قبرس اگر چه در نزد گردشگران انگلیسی از محبوبیت زیادی برخوردار هستند ولی اخباری که از این جزیره گزارش می شوند اغلب در باره بدرفتاری سربازان انگلیسی مستقر در این مستعمره پیشین بریتانیا است. انتخاب کریستوفیاس به مقام تنها رییس جمهوری کمونیست در اتحادیه اروپا، بن بست روند صلح از زمان سال ۲۰۰۴ را شکسته است. محمد علی طلعت بی درنگ پیروزی کریستوفیاس را تبریک گفت و تمایل خود را برای از سرگرفتن گفتگوهای صلح ابراز کرد. بخش یونانی جزیره در سال ۲۰۰۴ با وجود مخالفت با پیشنهاد سازمان ملل برای اتحاد قبرس به اتحادیه اروپا پیوست. در حالی که ۶۵ درصد بخش ترک نشین به اتحاد قبرس آری گفتند ۷۵ درصد از رای دهندگان بخش یونانی با پیشنهاد سازمان ملل مخالفت کردند. پس از رای مخالف به پیشنهاد سازمان ملل برای یکپارچگی قبرس و پذیرش عضویت بخش یونانی قبرس در اتحادیه اروپا به کورتی با بخش شمالی جزیره انجامیده است و کریستوفیاس مصمم به در پیش گرفتن رویکردی متفاوت از تاسوس پاپادوپولوس، رییس جمهور پیشین که در انتخابات ماه گذشته حذف شد و بسیاری او را به اشکال تراشی برای از سرگرفتن گفتگوهای صلح متهم می کنند، است. قبرس که تا سال ۱۹۶۰ مستعمره بریتانیا بود از سال ۱۹۷۴ هنگامی که نیروهای ترکیه در واکنش به تلاش برای پیوستن این جزیره به یونان بخش شمالی این جزیره را اشغال کردند به دو بخش ترک نشین شمال و یونانی جنوب جزیره تقسیم شده است.

این رویداد، یورش یونانیان قبرسی و آزادسازی از سوی ترک های قبرسی ارزیابی شد. پس از آن سازمان ملل برای جدا نگاه داشتن دو بخش در آنجا مستقر شد و تا کنون روند صلح و یکپارچگی قبرس به بن بست کشیده شده است.

ملاقات در روز آدینه مقدس چالشی است در برابر اتحادیه اروپا که رهبری خود را با این ابتکار صلح نوین نشان دهد و رویکرد عادلانه تری را در برخورد با بخش های یونانی و ترک نشین قبرس اعمال کند.

هفته گذشته هنگامی که در پست بازرسی لدر پالاس یکی از پنج محلی که دو بخش شهر نیکوزیا را بهم وصل می کند از خط سبز می گذشتم آفتاب می درخشید.

ناحیه حفاظتی بین پست های بازرسی ترکی و یونانی خلوت و کم رفت و آمد بود و من از کنار چند نفر انگشت شمار گذشتم. از میان چند ساختمان شامل هتل لدر پالاس که اکنون پایگاه نیروهای سازمان ملل است و سوراخ های اصابت گلوله بر آنها

نمایان بود عبور کردم. هنگام مراجعتم از جنوب به ناحیه حفاظتی متوجه یک تبلیغ دیواری کهنه و رنگ باخته ای از زمان جنایت ترک ها علیه یونانی ها شدم. خط سبز دو دنیای نا همسان را از نظر دین، زبان و فرهنگ از هم جدا می کند. آنها هرگز با هم ادغام نشده اند و ازدواج بین این دو اندک است. کریستوفیاس و طلعت از این چالش های مهم آگاه هستند اما شدت تمایل برای تحقق یکپارچگی مجدد قبرس در هر دو همسان است. رهبر بخش ترکی نشین قبرس بر این اعتقاد است که شمال قبرس که بخش فقیرتر جزیره بشمار می رود می توانست از یاری بیشتر اتحادیه اروپا بهره مند گردد. بخش ترک نشین تا کنون به رسمیت شناخته نشده است، نبود موافقت نامه ای رسمی برای استرداد، تبه کاران را از سرتاسر اروپا به این بخش می کشاند، پرتقال ها به سبب عدم برداشت و ماندن بروی درخت ها از بین می روند و صنعت گردشگری شامل پرواز مستقیم هواپیما از اروپا که بخش جنوبی از آن برخوردار است کمبود دارد. و لیکن مناظر طبیعی بخش شمالی این جزیره با دشت های سرشار از گل های بهاری خیره کننده شامل ارکید های وحشی با وجود کمبود آب در سراسر قبرس به وفور در جنگل های پردرخت کناره های شمالی آن می رویند از زیباترین مناطق این جزیره بشمار می روند.

ملاقاتی که در روز آدینه مقدس انجام گرفت ممکن است نخستین گام به سوی یکپارچگی دوباره قبرس و بهترین فرصت، در طول تمام سال های تاکنون، برای آوردن صلح برای همه شهروندان این جزیره باشد.

مذاکرات بی معنا است

برقوتی: تا زمانی که اسرائیل ساختن شهرک های یهودی نشین، دیوار آپارتاید و محاصره غزه را پایان ندهد، مذاکرات بی معنا است

رامالا، ۳ آوریل ۲۰۰۸ (۱۵ فروردین ماه)، مصطفی برقوتی، دبیر کل "ابتکار ملی فلسطین" امروز گفت: تا زمانی که قدم های اولیه حاکی از تعهد جدی برای صلح برداشته نشوند، مذاکرات با اسرائیل بی معنا است.

او امروز در یک کنفرانس مطبوعاتی در رامالا، یک روز بعد از اعلام دولت اسرائیل مبنی بر ساختن ۱۹۰۰ مسکن دیگر علاوه بر ۹۴۳۲ مسکنی که در اجلاس ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ آنابولیس تصویب شد، بیانیه ای صادر کرد.

دکتر برقوتی گفت: "اسرائیل در آنابولیس اعلام کرد که خواهان صلح است، در حالیکه شهرک های یهودی نشین با سرعت ۲۰ برابر قبل از اجلاس آنابولیس گسترش می یابند. ضمناً، اسرائیل همچنان به ساختن دیوار آپارتاید خود ادامه میدهد. مسئله به اندازه کافی روشن است، اسرائیل از روند صلح به عنوان سرپوشی برای طرح های توسعه طلبانه خود استفاده می کند، با هدف واگذاری تنها نیمی از کرانه غربی به فلسطینی ها و ایجاد بانتوستان (گتو)".

وی همچنین به ادعای ریاکارانه دولت اسرائیل اشاره کرد که در ۳۰ مارس به کاندولیزا رایس قول داد به منظور "کاهش زجر مردم فلسطین" ۵۰ پست بازرسی را بخواهد چید. دکتر برقوتی یادآور شد که از زمان آنابولیس تعداد پست های بازرسی از ۵۲۱ به ۵۸۰ افزایش یافته اند، و وعده ۳۰ مارس به مسخره گرفته شده است. او به مورد دهکده "بالا" در منطقه "تولکارم" اشاره کرد، که روز ۳۱ مارس اسرائیلی ها در آنجا یک پست بازرسی برقرار کردند و سپس همان روز پس از دعوت خبرنگاران به عنوان شاهد آنرا برچیدند.

به دنبال گزارش سازمان بهداشت جهانی در اول آوریل مبنی بر مرگ بیماران غزه ای که برای دریافت کمک های پزشکی ضروری اجازه خروج از غزه را نیافتند "ترژدی که می توانست و باید جلوگیری شود"، دکتر برقوتی گزارش داد که از ماه ژوئن ۲۰۰۷ تا بحال ۱۲۱ بیمار از نوار غزه بدینگونه جان خود را از دست دادند. او به مورد مرگ بابان ابو هیلو، کودک یک ساله بیمار کلیوی، در ۲ مارس که بنا به "دلایل امنیتی" اجازه خروج از غزه را نیافت اشاره کرد.

دکتر برقوتی گفت: " دولت اسرائیل برای جلوگیری از هر گونه امکانی در راه تاسیس یک دولت مستقل، پویا و همسایه تلاش می کند. توسعه شهرک های

صبح بخیر بغداد

نوشته میشل گیو، برگرفته از اومانیته، ۲۵ مارس ۲۰۰۸

از نخستین روز تهاجم آمریکا و متحدانش تا کنون بیش از ۴۰۰۰ سرباز آمریکایی در خاک عراق جان خود را از دست داده‌اند. امروز، پنج سال پس از آغاز دومین جنگ خلیج، که در آن به طور عمده تانک‌های آمریکایی و انگلیسی از یک سو به بغداد و از سوی دیگر به بصره وارد شدند، چه تغییرات مثبتی در عراق و منطقه صورت گرفته است؟ بیرون آوردن صدام حسین از سوراخ مخفی گاهش؟



اعدام کردن او که تبدیل به خوراک خبری وقیحانه و چندان آوری برای رسانه‌ها شد؟ کشته شدن هزاران غیرنظامی در بمباران‌های کور و بی‌هدف؟ تکه پاره شدن کشوری که از یک سو ترکیه به بهانه تعقیب جدایی‌طلبان گرد به مرزهای آن تجاوز می‌کند، و از سوی دیگر در پایتخت آن از "شیطان کبیر" احمدی نژاد، تحت حفاظت متجاوزان آمریکایی استقبال می‌شود؟

با بهره از تعبیری از آنتول فرانس: فکر می‌کنی در راه دموکراسی جان می‌بازی، در حالی که در حقیقت جانت را در راه "هالی‌برتون" و شرکت‌های نفتی از دست می‌دهی.

اکنون پس از پنج سال، عراق هنوز کشوری با ثبات نشده است که دموکراسی در آن جا افتاده باشد. برعکس، مردم بیش از پیش دچار تفرقه شده‌اند، قحطی است و گرسنگی می‌کشند، در وحشت و ترور به سر می‌برند، و کشته می‌دهند. القاعده، که بهانه مداخله در افغانستان بود، پایگاه تازه ای برای برخوردهای خونین‌اش در عراق یافته است، و کل منطقه دچار بی‌ثباتی شده است. جورج بوش جنگ طلب، روز ۲۹ اسفند ضمن سخنانی در پنتاگون گفت: "در این مورد بحث می‌کنند که آیا این جنگ ارزش جنگیدن داشت، آیا این پیکار ارزش پیروز شدن دارد، و آیا ما می‌توانیم برنده آن باشیم؟ و من این را درک می‌کنم." او سپس افزود: "پاسخ به این پرسش‌ها برای من روشن است: پایین کشیدن صدام از قدرت تصمیم درستی بود؛ و این جنگی است که آمریکا می‌تواند و باید در آن پیروز شود..." پیروز؟

در تاریخ گذشته ای نه چندان دور، در برابر قدرت مقاومت ملی مردم ویتنام،

جرات نمی‌کردند این واژه [پیروزی] را به کار ببرند. تنها عدم شباهت عراق با رویدادهای تاریخی آن دوران، در وحشی‌گری به کار رفته در ابزارهای مورد استفاده، و پیش از هر چیز در ایراد شکنجه‌های سازمان یافته، یا در قراردادهای نان و آبدار به نفع شرکت‌های بزرگ صنعتی - نظامی دیده می‌شود که برادر خونی‌شان در کاخ سفید جاخوش کرده است. خصوصی سازی بی سابقه ای در عرصه های مختلف در این جنگ دیده می‌شود. با توجه به بی‌شماری جان‌های از دست رفته و سودهای میلیارد دلاری ناشی از جنگ، عراق از این لحاظ هم با ویتنام تفاوت دارد که پس از پنج سال حتی کمترین نشانی هم از آغازی بر پایان جنگ یا اشغال دیده نمی‌شود - که البته دلیل آن هم روشن است. آنچه در عراق دیده می‌شود، در مورد کل منطقه هم صدق می‌کند. آیا ایران به سوی رهایی اجتماعی که زمینه‌های آن آماده است پیش می‌رود؟ دشمن‌تراشی ساختگی و جنگ زرگری - که مانعی در راه توافق‌های سودجویانه اینجا و آنجا میان "دوستان متخاصم" نیست - اردوی محافظه کاران را در تهران تقویت می‌کند، همان‌طور که در همین انتخابات اخیر [مجلس هشتم] ثابت شد. آیا اوضاع در افغانستان بهتر شده است؟ پاسخ در خود سؤال مستتر است: گسترش جنایتکارانه‌ترین بنیادگرایی ممکن را به درون پاکستان ببینید. آیا بحران در خاور نزدیک گامی به سوی مصالحه، یا حتی گفت‌وگو، جلو رفته است؟ موضع گیری های حکومت‌گران مافوق ارتجاعی در اورشلیم از یک سو و دست‌اندازی حماس بر نوار غزه از سوی دیگر، که نسخه مشابه یکدیگرند، خود آشکارا جوابگوی سؤال است.

اما آیا ما باید تماشاگر باشیم و منتظر نتیجه انتخابات مقدماتی حزب دموکرات و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بمانیم؟ البته هر دوی این انتخابات مطمئناً، خوب یا بد، بر اوضاع آینده تأثیر خواهند گذاشت. فرانسه که در سال ۲۰۰۳ در پی مخالفت رسمی‌اش با جنگ سر و صدای زیادی به پا کرد، اگر همان راه را ادامه می‌داد سربلندتر می‌بود. اما در حال حاضر این همان راهی نیست که رئیس‌جمهوری فرانسه و وزیر امور خارجه آن کشور در پیش گرفته‌اند، چه در عراق، چه در افغانستان و چه در خاور نزدیک. نیکولا سارکوزی در پی آن است که با رساندن فرانسه به ریاست اتحادیه اروپا، برگ درخشانی در کارنامه سیاسی‌اش از خود به جا بگذارد. آیا او در نزدیک‌تر کردن موضع فرانسه با مواضع نظامی‌گرایانه ناتو، در ایجاد پایگاه‌های نظامی در امارات عربی، و در تخفیف بار گران و خونینی که آمریکا در کابل به دوش می‌کشد، شتاب به خرج خواهد داد؟ یا این که فرانسه و اتحادیه اروپا را به راهی خواهد برد که نقشی شرافتمندانه‌تر بازی کند؟ اقدام‌ها و مواضع سیاسی او و کشورهای عضو اتحادیه اروپا با این معیار سنجیده خواهد شد.

کمک مالی رسیده

به یاد رفیق ایرج جعفری

۵۰۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 788
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 12th April 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse